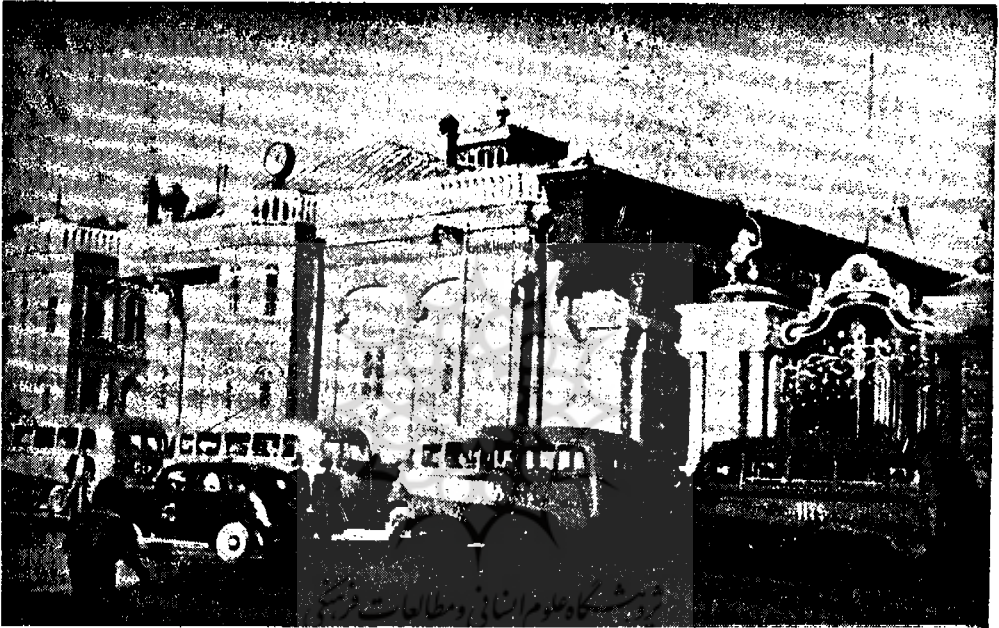


مجلس پانزدهم

مجلس پانزدهم روز [۲۵ تیر ماه ۱۳۲۶] افتتاح یافت. نظر بر اینکه عده زیادی از نمایندگان این مجلس از اعضاء حزب دموکرات ایران و بوسیله آقای قوام بیجلس آمده بودند تا اواخر شهریور تصویب اعتبار نامه‌ها بطول انجامید و مخصوصاً هنگام گذراندن اعتبارنامه آقایان مشایخی و کهد و ارسنجانی موافقین و مخالفین زیاد بافشاری نمودند. عاقبت اعتبارنامه آقای مشایخی تصویب گردید ولی آقای کهد رد شد معیناً دومرتبه از ساوجبلاغ انتخاب شد و اعتبارنامه آقای ارسنجانی باوجود شایستگی بیشتر و نطق آقای آقای ملک‌الشراء بهار رد گردید و دیگر هم بیجلس نیامد.



نمای سردرب مجلس شورای ملی وقتستی از میدان بهارستان

از همان ابتدا، برای احراز اقام ریاست بین طرفداران آقای رضا حکمت (سردارفاخر) و آقای تقی زاده مباحثات زیادی بود. ولی چون آقای تقی زاده شخصاً حضور نداشت، ریاست نصیب آقای حکمت شد و تا آخر مجلس نیز آنرا حفظ نمود.

در ۲۲ شهریور آقای قوام دولت خود را معرفی کرد ولی با مخالفت آقایان مکی و هیاس اسکندری و دکتر متین دفتری و دکتر اعتبار و چند نفر دیگر مواجه شد. مخصوصاً آقای مکی چنان سخت بر ایشان تاخت که نخست وزیر و طرفدارانش از مجلس خارج گردیدند و چندین بار جلسه را از اکثریت انداختند. اما بالاخره در ۱۲ مهر با اکثریت ۹۳ رأی برنامه دولت تصویب و رأی اعتماد داده شد.

مهمترین وظیفه مجلس پانزدهم تعیین تکلیف قرار دادی بود که آقای قوام در مسکو و تهران با آقای سادجیگف و زمامداران شوروی راجع بنفث شمال بسته بود که در یکجلسه طولانی در تاریخ ۲۰ مهر با اکثریت ۱۰۳ رأی از ۱۰۴ نفر عده حاضر (کان لم یکن) شناخته

شد و بالتجربه موجب رنجش همدید دولت شوروی و رفع اضطراب دولت انگلیس گردید. ولی مجلس از نظر حفظ موازنه، دولت را مکلف کرده که با شرکت نفت جنوب نیز برای استیغای حقوق ایران مذاکره نماید.

رد قرار داد قوام - سادجیکف بمنزله ابراز عدم اعتماد بدولت آقای قوام بود زیرا از این بینه روز بروز از طرفدارانش کاسته میشد و بالاخره در ماه آذر علی رهم کوشتهایی که برای باقی ماندن بر مقام خود مینمود و قتیکه گزارش دوره زمامداری خود را بعرض مجلس رسانید بیش از ۴۶ نفر موافق نداشت و مجبوراً کناره گرفت.

پس از آن آقای ابراهیم حکیمی بنا بشمایل مجلس کابینه را طبق فرمان همایونی تشکیل داد منتها از رفتن آقای قوام تا معرفی کابینه آقای حکیمی یکماه طول کشید. در ۷ دیماه کابینه آقای حکیمی بشرح زیر معرفی و در ۱۶ دیماه با ۷۶ رأی موافق تصویب شد:

آقای دکتر سجادی	وزیر اقتصاد ملی
> مصطفی عدل (منصور السلطنه)	> مشاور
> علی متمدی	> راه
> دکتر سعید مالک	> بهداری
> محمد سروری	> دادگستری
> دکتر سیاسی	> فرهنگ
> ابوالقاسم نجم	> دارایی
> محمد علی وارسته	> پست و تلگراف
تیسار سببید یزدان پناه	> جنگ
تیسار سرلشکر آقاولی	> کشور

برای وزارت کشاورزی و خارجه بعداً وزیر تعیین گردید.

ولی این کابینه دو بار مورد استیضاح واقع شد یکی بوسیله آقایان حامری زاده و مکی و آزاد (۲۵ بهمن) و دیگری بوسیله آقای عباس اسکندری (۱۹ فروردین ۱۳۲۷) و هر دو بار رأی اعتماد گرفت.

کابینه آقای حکیمی در تمام مدت زمامداری هواجه با مخالفت شدید طرفداران آقای قوام بود مخصوصاً چون در ۲۲ اردیبهشت ۲۷ آقای سروری وزیر دادگستری گزارش دادستان دیوان کیفر را بر علیه سوء استفاده های آقای قوام تقدیم نمود نمایندگان حزب دموکرات جداً در سقوط کابینه میکوشیدند. ردر داخل کابینه نیز کار هکنی هائی از طرف مرحوم هژیر میشد تا بالاخره در ۱۸ خرداد کابینه ساقط شد.

پس از آن آقای عیدالاحسین هژیر مأمور تشکیل دولت گردید ولی افکار هموی و مخصوصاً مردم بازار و طرفداران آقای آیه الله کاشانی با زمامداری ایشان موافق نبود و تظاهراتی بر علیه آن مرحوم میشد که یکبار هم منجر بزد و خورد گردید.

روز ۸ تیر با ۸۸ رأی موافق رأی اعتماد گرفت ولی بفاصله کمی (۲۶ تیر) مورد استیضاح آقای اسکندری واردلان واقع و روز اول شهریور با ۹۳ رأی موافق تثبیت شد. در ۲۹ مهر مجدداً استیضاح و در ۱۳ آبان تثبیت گردید ولی مخالفتهای بی دریغی بالاخره در ۱۵ آبان مرحوم هژیر را مجبور باستعفا نمود.

در ۱۸ آبان آقای محمد ساعد مراغه‌ای نماینده رضاییه مأمور تشکیل کابینه شد.

در تاریخ ۳۰ آبان ۲۷ کابینه خود را بشرح زیر بمجلس معرفی نمود.

آقای محسن صدر (صدرالاشرف) وزیر دادگستری

وزیر بهداری	آقای دکتر امیراعلم
» خارجه	» علی اصغر حکمت
» جنگ	تیسار سپهبد امیر احمدی
» فرهنگ	آقای دکتر سجادی
» دارائی	» گلشایبان
» پست و تلگراف و تلفن	» نادر آراسته
» راه	» دکتر اقبال
» مشاور	» جمال امامی
» اقتصاد ملی	» اشرفی
» کشاورزی	» دکتر احمد مقبل
» مشاور	» دکتر طاهری

ولی چون آقای صدر از قبول وزارت معذرت خواست آقای نخست وزیر تغییراتی در کابینه داد بدین معنی که آقای دکتر سجادی وزیر راه، دکتر اقبال وزیر بهداری و دکتر زنگنه وزیر فرهنگ شد.

تغییر و تبدیل قریب یکماه طول کشید تا آنکه در ۱۶ آذر کابینه با اکثریت ۵۶ رأی موافق رأی اعتماد گرفت.

تا این ایام، بودجه کشور ماه به ماه بوسیله ماده واحده بتصویب مجلس میرسید و حتی با وجودیکه بودجه کل کشور در جلسه ۴ شهریور مطرح شد، تصویب نگردید.

در طی ماههای آذر و دی کمیسیون دادگستری مشغول تهیه گزارش راجع با اعلام جرم بر علیه آقای قوام بود. عده‌ای اصرار داشتند این گزارش زودتر در مجلس قرائت شود ولی طرفداران دولت برای تصویب بودجه چهار دوازدهم پانشاری میشوند. بالاخره طرفین موافقت کردند که ابتدا بودجه تصویب و بعد گزارش قرائت شود. ولی پس از تصویب چهاردهم دوازدهم بودجه دیگر گزارش مطرح نگردید.

در ۲۳ دیماه آقای اسکندری دولت را راجع بنفث جنوب استیضاح نمود و بعده‌ای از رجال و وکلای حاضر که در تصویب قرارداد ۱۹۳۳ و تعدیه آن مداخله داشتند جمله نمود. آقای تقی‌زاده که در تهیه و تصویب آن قرارداد مهمترین رل را برعهده داشت نطقی بسیار پر معنی ایراد و اسراری را فاش ساخت که تا آنوقت مردم از آن بی اطلاع بودند. در نتیجه افکار عمومی بسختی متشنج گردید و تظاهرات و تظاهراتی بر علیه هرکت نفت جنوب و بانک شاهنشاهی که امتیازش سر آمده ولی هنوز بکار خود ادامه میداد برپا گردید. شعارها و اعلامیه‌ها بر علیه این دو مؤسسه خارجی که مدت‌های مدید در ایران سو استفاده نموده اند منتشر گردید. بطوریکه دیگر هیچ وجه احتمال تجدید امتیاز بانک شاهنشاهی نیرفت و شرکت نفت جنوب نیز به‌درد سر جیبی گرفتار شده بود و فقط يك اتفاق غیر مترقب و خیلی مهم میتوانست جلو خشم عمومی را بگیرد و مانع تظاهرات عده زبان روزنامه‌ها و مخالفین را کوتاه سازد که آنها در بازردهم بهمن پیش آمد.

بگفتار جانی پست فطرت مرتکب سو، قصدی نسبت بذات شاهانه گردید که خوشبختانه بی اثر ماند. نظامی حکومت نظامی اعلام و روزنامه‌ها توقیف و نویسنده‌گان و مخالفین بزندان افتادند و سر و صداها خوابید.

اکثریت مجلس فوراً از موقع استفاده نموده نسبت با استیضاح آنسای اسکندری رأی سکوت داد و دولت بانود و نه رأی موافق در ۱۷ بهمن تثبیت شد و لایحه‌ای نیز نسبت به فعالیت بانگهای خارجی تصویب شد و بالتجربه بانک شاهنشاهی توانست کماکان بکار خود ادامه دهد.

تا این تاریخ وقت مجلس بیشتر صرف مذاکرات بی نتیجه و آوردن و بردن دولتها میشد و لوایح ماهها در بونه اجمال میماند ولی پس از واقعه شوم پانزدهم بهمن دیگر مجلس بچران گذشته بکار افتاده و لوایح بسیار مفصل سی چهل ماده ای را بایک قیام و قعود ساده تصویب نمیشد و همین عجله موجب شد که لایحه بسیار مضرمطبوعات نیز تصویب گردد. باید دانست از مدتها قبل در اثر آزادی مطبوعات و مقالات، بعضی از روزنامه ها بدون مطالعه حمله با شخصی میشوند که در واقع گاهی نداشته و این نوع مطالب تند و زننده که گاهی منجر بهتساکی میشد موجب کدورت جمعی از رجال شده و همیشه مقصود بودند تبدیلی در روش نامه نگاری ایجاد نمایند. تا اینکه از موقعیت استفاده نموده و لایحه جدید مطبوعات را تصویب کردند که فقط می توان نام آنرا انتقام از مطبوعات گذاشت.

اواخر عمر مجلس، مصادف بادو استیضاح مهم و تاریخی گردید یکی بوسیله آقایان حائری زاده و مکی و دکتر بقائی که مضموناً شخص اخیر در طی چندین جلسه متوالی که حتی شبها نیز تشکیل میگرددید بیانات بسیار مفصلی ایراد و موارد زیادی را که دولت از حدود وظیفه و قانون پافران گذشته بود تذکر دادند. چندین بار مجلس متشنج گردید و گفتگوهای زننده رد و بدل شد.

استیضاح دوم نیز بوسیله همین آقایان درموتی شد که مواد الحاقی قرارداد نفت جنوب تقدیم مجلس گردید.

باید دانست که شرکت نفت جنوب از ابتدای تشکیل تا کنون حاضر نشده است از مقدار محصول و صادرات و معایب آنش کنترلی از طرف دولت ایران بعمل آید.

این بار، دولت تصمم گرفت در استیفای حقوق خود با تمام جدی پردازد پس از مذاکرات متوالی و مسافرت مکرر رؤسای عالی رتبه شرکت از قبیل کس نماینده نام الاحیاء و فریزر مدیر کل شرکت ب طهران، بالا سره در تنظیم موادی بنام مواد الحاقی به قرارداد ۱۹۲۳ موافقت شد

و قتیکه این لایحه برای تصویب بجای شورای ملی تقدیم گردید برخلاف انتظار مردم معلوم شد بهیچوجه منافع ایرانرا تامین نموده است.

آقای حسین مکی بیش از همه باین لایحه حمله نمود و بقدری داد سخن داد که آقای گلشایان وزیر دارائی مجبور شد اصرار خبیثی را فاش سازد و ملت را بر مطالب بسیار مهمی واقف نماید که تا آنوقت در پرده استتار بود و اظهار داشت برای تهیه لایحه جدید از جمعی از رجال عده دعوت شد که برای تنظیم آن شرکت نمایند و آنها هیچیک دعوت را نپذیرفتند و البته آن اشخاصی که آقای وزیر دارائی ایشان را ذکر کرده بود این موضوع را صریحاً تکذیب نمودند.

دامنه استیضاح بدرازا کشید و علی رغم اصرار نعمت وزیر و وزیر دارائی آنقدر گفتگو شد تا عمر مجلس پانزدهم در ساعت ۱۱ و ۲۵ دقیقه صبح روز پنجشنبه ۶ مرداد ۱۳۲۸ سرآمد و خاطره بسیار تلخی برای ملت ایران از خود باقی گذاشت.

مهمترین قوانینی که از تصویب این مجلس گذشت عبارتند از

اجازه خرید ساز و بربک ارتش از امریکا.

الحاق ایران بسازمان بهداشت جهانی.

عفو عمومی مجرمین آذربایجان.

قانون جدید مطبوعات.

اعطای لقب کبیر بمرحوم شاه فقید.

قانون انتخابات مجلس سنا.

دفتر کتابخانه مدرسه نجفیه کوه

- قانون اجازه اجرای لوائح وزارت دادگستری پس از تصویب کمیسیون قوانین دادگستری
 قانون اجرای موقت آیین نامه داخلی مجلس .
 قانون تأسیس دانشکده دربهمنی از شهرستانها .
 موقوفه شدن املاک دولت برای امور خیریه تحت نظر اعلی حضرت همایونی .
 قانون مالیات بر در آمد .
 بودجه سال ۱۳۲۸ .
 قانون اجرای موقت برنامه هفت ساله .
 قانون اصلاح مقررات بازنشستگی .

((انسان))

چون انسان در وجود آمد هر چه در عالم جماد و نبات و حیوان بود با خویشتن آورد و قبول معقولات بر آن زیادت کرد و بمقل برهه حیوانات بادهاه غد و جمله را در تحت تصرف خود آورد ، از عالم جماد جواهر و زر و سیم زینت خویش کرد و از آهن و روی و مس و سرب و ارز ز اوانی و عوامل خویش ساخت و از عالم نبات خوردنی و پوشیدنی و گستردنی ساخت و از عالم حیوان مرکب و حال کرد و از هر سه عالم داروها برگزید و خود را بدانات معالجت کرد .

این همه تفوق او را بیجه رسید ؛ بدان که معقولات را بشناخت و بتوسط معقولات خدای را بشناخت . خدای را بیجه شناخت ؛ بدان که خود را بشناخت ، من عرف نفسه فقد عرف ربه . پس این همه قسم آمد ؛ يك قسم آنست که نزدیک است بمالم حیوان چون سبایان و گوهبان که خود همت ایشان بیش از آن نرسد که تدبیر معاش کنند بجنب منفعت و دفع مضرت ، باز يك قسم اهل بلاد و امدانند که ایشان را تمدن و تمارن و استنباط حرف و صناعات بود ، باز يك قسم آنند که از این همه فراغتی دارند ، (بلا و نهار) کار ایشان آن باشد که ما که ایم ؛ و از چه در وجود آمده ایم ؛ و پدید آورنده ما کیست ؛ یعنی که از حقائق اشیاء بهت کنند و درآمدت خویش تامل و از رفتن تفکر که چگونه آمدیم ؛ و کجا خواهیم رفت ؛ و باز این قسم دو نوع اند ؛ یکی نوع آنند که با استاد و تلفف و تکلف و خواندنت و نوشتن بکنه این مامول رسند و این نوع را حکماء خوانند ، و باز نوعی آنند که بی استاد و نوشتن بپنتهای این فکر بررسند و این نوع را انبیاء خوانند .

(احمد بن عمر النظامی العروسی)

(نفس)

نفس از روی لغت وجود الکی باشد و حقیقته ذاته ، و اندر جریان مادات و هیارات مردمان معتدل است مرمعانی بسیار را ، برخلاف یکدیگر استعمال کنند بمعانی متضاد .

نزدیک یکی گروهی نفس بمعنی روح است ، به نزدیک گروهی دیگر بمعنی مروت و به نزدیک قومی بمعنی جسد و به نزدیک قومی دیگر بمعنی خون . اما معقنان اهل عرفان را مراد از این لفظ هیچ از این جمله نباشد و اندر حقیقت آن موافق اند که نفس منبع شراست و قاعد سوه . گروهی گویند نفس بمعنی است مودع اندر قالب چنانکه روح ، و گروهی گویند صفی است مرقاب چنانکه حیات . و مشتق اند که اظهار اخلاق دنی و افعال مذموم را سبب نفس است .

(علی بن عثمان غز نوبی)